

دکتر جان اسوالت، پادشاهان، جلسه ۲۴، بخش ۳

دوم پادشاهان ۱۳-۱۴، بخش ۳

جان اسوالت و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

از پایان پادشاهی سلیمان در سال ۹۳۰ تا حدود سال ۸۰۰، یعنی ۱۳۰ سال، آشور پیوسته در حال گسترش و رشد بود و از همه جهات، از جنوب شرقی تا بابل و فراتر از آن، از شمال تا جایی که اکنون ارمنستان است، از غرب تا جایی که اکنون ترکیه است، و به ویژه از جنوب غربی تا مصر، گسترش یافته بود. بنابراین به مدت ۱۳۰ سال، آن فشار بیشتر و بیشتر شد و سپس حدود سال ۸۰۰، متوقف شد. قبلاً به شما گفته‌ام، فکر می‌کنم این خدمت یونس نبی است.

شما دو پادشاه پشت سر هم دارید، پادشاهان آشوری، که پرخاشگر نیستند. به نظر نمی‌رسد که از نظر نحوه حکومتشان در منطقه آشور ضعیف باشند، اما آنها فقط پرخاشگر نیستند. خب، این یعنی از ارقام گرد، و بیاید کمی دقیق‌تر باشیم، از حدود ۷۹۰ تا ۷۴۵، فشار از بین رفته است.

حال، این تقریباً مشابه دوران سلطنت یربعام دوم در پادشاهی شمالی است. واضح است که این دوران دوران رونق و شکوفایی بزرگ است. دوران صلح است.

این زمان، زمان گسترش است. به ما گفته شده است که یربعام توانست تمام سرزمین‌هایی را که در آن دوران سوری‌ها از دست داده بودند، از خلیج ایلات گرفته تا بالای نقشه تا حمات، دوباره به دست آورد. وای

با احتساب سال‌های سلطنت مشترک با پدرش، ۴۱ سال می‌شود. و ببینید چند آیه به دست می‌آورد. ۲۳ تا یعنی هفت آیه به ازای ۴۱ سال، ۲۹.

این دیگه چیه؟ معلومه که یه پادشاه قدرتمند بوده. معلومه که یه مدیر خیلی خوب بوده. معلومه که یه رهبر نظامی توانمند بوده.

پادشاهان چگونه یک پادشاه را ارزیابی می‌کنند؟ بر اساس قلبشان برای خداوند. او در نظر خداوند پلید عمل کرد و از هیچ یک از گناهان یربعام اول، پسر نباط، که اسرائیل را به ارتکاب آنها واداشته بود، رویگردان نشد. حال، در اینجا فقط یک قطعه کوچک از آن را می‌آوریم.

او کسی بود که مرزهای اسرائیل را از لابو حمات، که در شمال است، تا دریای مرده بازسازی کرد، مطابق کلام خداوند، خدای اسرائیل، که از طریق بنده‌اش یونس، پسر امیتای، پیامبر اهل جت هافر، گفته شده بود. خداوند دیده بود که همه در اسرائیل، چه برده و چه آزاد، چقدر تلخ رنج می‌کشند. کسی برای کمک وجود نداشت.

از آنجایی که خداوند نگفته بود که نام اسرائیل را از زیر آسمان محو خواهد کرد، آنها را به دست یربعام پسر یهوآش، نجات داد. نظر شما در مورد این چیست؟ خب، او دارد یک گناهکار را برکت می‌دهد، اینطور نیست؟ خب، شاید راه بهتری برای گفتن آن وجود داشته باشد. او دارد یک ملت را برکت می‌دهد.

این همان موضوعی است که امشب دیدیم. او حاضر به تسلیم شدن نیست. او حاضر است آنها را داوری کند، اما با چه امیدی؟ امید به اینکه آنها چه کاری انجام دهند؟ به سوی او بازگردید

و او حاضر است به چه امیدی با آنها مهربان باشد؟ همان، که آنها به سوی او بازگردند. در این تصاویر می‌بینید. یک بار دیگر، این مربوط به پادشاه یربعام، ۴۱ سال نیست.

سال ادامه دادن به گناهایی که مرتکب شده بودم. این درباره خداست، درباره لطف خداست. هی، هی، ۴۱. من قراره بهت برگردونم.

اینجا جایی است که رثوین و جاد و نصف قبیله منسی قلمرو خود را داشتند. من آن را به شما پس می‌دهم. نظر شما چیست؟ به عاموس، عاموس فصل ۵ مراجعه کنید. این بعد از دانیال است.

سپس هوشع می‌آید، و بعد یوئیل، و بعد عاموس. عاموس فصل ۵. واضح است که مردم اسرائیل می‌گویند، وای، وای. از زمان سلیمان تا به حال اوضاع به این خوبی نبوده است.

بدیهی است که خدا ما را برکت می‌دهد. این عالی است. خب، خدایا، در مورد آن چطور؟ تو گفته‌ای که روز خداوند را خواهی آورد.

خدای من. باشه، شروع کن و انجامش بده، خدایا. ما آماده‌ایم.

دعای تو برای روز خداوند، اولین نیت تو، و رویای تو برای روز خداوند چیزی جز سادگی نیست، چیزی شبیه خدا در جالوت. به آن روغن و روح القدس می‌گویند، ها اونام. همه ما قرار است روغن و روح القدس را در خانه داشته باشیم و دستش را روی دیوار گذاشت و مار او را نیش زد.

خب، داری تو جاده راه میری. یه خرس اونجاست. اوه، رفیق.

اوپس. یه شیر داره تو خونه می‌دوه. بینگو.

شما روز خداوند را می‌خواهید. شما روز خداوند را می‌خواهید. من از اعیاد مذهبی شما متنفرم، از آنها بیزارم.

گردهمایی‌های شما برای من متعفن است. اگرچه قربانی‌های سوختنی و هدایای آردی برای من بیاورید، آنها را نخواهم پذیرفت، اگرچه هدایای رفاقت مرغوب بیاورید، آنها را نخواهم پذیرفت.

دور از سر و صدای آهنگ‌هایت. به موسیقی چنگ‌هایت گوش نخواهم داد. چطور است از آن برای دعوت. به پرستش در یکشنبه‌ی آینده استفاده کنی؟ به جای اینکه یک پولس روی چیزها بگذاری.

بگذارید عدالت مانند رودخانه‌ای روان جاری باشد. عدالت مانند جویباری است که هرگز جاری نمی‌شود. همیشه جاری است. باز هم، این موضوع درست در ادامه‌ی مضمون پادشاهان قرار می‌گیرد.

چه مدرکی وجود دارد که شما با خدا عهد بسته‌اید، و نحوه برخورد شما با دیگران، به خصوص کسانی که نمی‌توانند به شما غرامت بدهند، چگونه است؟ آیا شما قوم اسرائیل، ۴۰ سال در بیابان برای من قربانی و نذورات آوردید؟ خب، البته که آوردیم. شما به ما گفتید. بله.

و در همان زمان، شما معبد پادشاه خود، پایه بت‌هایتان، ستاره خدایتان را که برای خود ساخته بودید برافراشتید. بنابراین، من شما را به آن سوی دمشق تبعید خواهم کرد، خداوند، که نامش خدای لشکرهای آسمان است، می‌گوید. وای بر شما که در صهیون آسوده خاطر هستید، بر شما که در کوه سامره احساس امنیت می‌کنید، ای مردان برجسته قوم برتر که قوم اسرائیل به سوی آنها خواهند آمد.

به گلنه، یکی از شهرهای بزرگی که آشوریان تصرف کرده بودند، برو. به آن نگاه کن. از آنجا به حمات بزرگ شهری دیگر، برو. از آنجا به گز در فلسطین برو. آیا تو از آنها بهتر هستی؟ آیا زمین ارباب تو از تو بزرگتر است؟ تو روز فاجعه را به تأخیر می‌اندازی و حکومت وحشت، دین دروغین و آسودگی خاطر را نزدیک می‌کنی.

و این سومی است. شما روی تخت‌هایی از عاج دراز می‌کشید. من نسخه عبری را دوست دارم؛ عبری می‌گوید شما روی تخت‌هایی از دندان، دندان فیل، دراز می‌کشید و روی مبل‌هایتان لم می‌دهید.

شما بره‌های برگزیده و گوساله‌های پرور می‌خورید. مانند داوود که بداهه‌نوازی می‌کند، با چنگ‌هایتان می‌نوازید. شراب را تا ته می‌نوشید و از بهترین عطرها استفاده می‌کنید، اما از نابودی یوسف غمگین نیستید.

یوسف پادشاه شمال است. بنابراین، تو جزو اولین کسانی خواهی بود که به تبعید خواهی رفت. جشن و سرور و خوشگذرانی تو پایان خواهد یافت.

هیچ چیز بین روح من و منجی وجود ندارد. هیچ چیز بین ما نیست، بگذار هیچ چیز بین ما نباشد. چقدر آسان، چقدر آسان.

خب، ما الیشع را داریم. همه چیز درست خواهد شد. خب، من فقط یک نبرد بزرگ می‌خواهم. اشکالی ندارد. خب، ما صلح و رفاه داریم. اشکالی ندارد. ما به الیشع نیازی نداریم. ما به پیروزی نیازی نداریم. ما به رفاه نیاز نداریم. ما به خداوند نیاز داریم.

بیایید دعا کنیم.

پدر آسمانی عزیز، ما را ببخش که به راحتی حواسمان پرت می‌شود. به راحتی، چشم از تو برمی‌داریم و به دنیای اطرافمان نگاه می‌کنیم. و وقتی همه چیز خوب پیش می‌رود، فکر می‌کنیم خوب است. می‌توانیم بدون او هم کنار بیاییم.

و وقتی اوضاع بد پیش می‌رود، فریاد می‌زنیم، کجایی؟ چرا ما را رها کرده‌ای؟ به ما رحم کن. ای پروردگار، به ما رحم کن. به ما کمک کن تا کلمات آسان را برای گفتن بدانیم، اما به ما کمک کن تا بدانیم که تنها چیزی که نیاز داریم این است که به ما کمک کنی نه تنها آن را بگوییم، بلکه به نام تو به آن ایمان داشته باشیم، و ما دعا می‌کنیم. آمین.